

مقاله علمی

**عوامل موثر در حفظ و ارتقاء سرمایه
اجتماعی**

برگرفته از آثار آیت الله جوادی آملی

محقق: فاطمه صدرالهی

استاد راهنما: دکتر ابوالفضل خراسانی

حوزه علمیه فاطمیه دامغان

چکیده

مطالب حاضر، با هدف کلی بررسی عوامل موثر در ارتقاء و حفظ سرمایه اجتماعی در جامعه می باشد که در صدد است عوامل موثر را شناخته و آن را به عنوان یکی از سرمایه های تاثیرگذار در جامعه بررسی کند. این یافته ها نشانگر این است که در سرمایه اجتماعی روند برخی از نابسامانی ها و آسیب های اجتماعی، در طی سال های اخیر افزایش یافته است. به نظر می رسد افزایش این نابسامانی ها رابطه تنگاتنگ با عدم تعادل و نابرابری فضایی حاصل از توزیع نابرابر منابع و امکانات در سطح جامعه را دارد و گسترش نابرابری ها در جامعه امروز، ناشی از توزیع ناعادلانه، زمینه بروز مسائل و نابسامانی ها و آسیب های اجتماعی را فراهم می کند که خود سبب کندی حرکت در مسیر توسعه اجتماعی می شود که با بررسی عوامل موثر بر حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی که در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نقش دارند، بپردازیم تا این عوامل به عنوان یک متغیر مهم در برنامه های توسعه، وارد عمل شده و به کارآمدی برنامه ها و همراهی و همکاری آحاد مردم منجر شود. این تحقیق به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای انجام گرفته است که پس از شناخت عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی، به بررسی راهکارهایی برای حفظ و ارتقاء آن می پردازد.

کلید واژه: سرمایه اجتماعی، حفظ، ارتقاء، جامعه، اعتماد، مشارکت

مقدمه

سرمایه اجتماعی که شامل شبکه های اجتماعی، نهادها، هنجارها و مولفه هایی نظیر اعتماد و مشارکت و آگاهی و ... می شود واز انواع سرمایه های غیر فیزیکی است که عموماً از آن به عنوان یکی از اشکال اصلی سرمایه یاد می شود که امروزه، کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی، دو سازه مهم در باب توسعه جوامع محسوب می شود. هدف عمده از این تحقیق، بررسی عوامل موثر در حفظ و ارتقاء سرمایه اجتماعی می باشد که این عوامل موثر می توان به عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرد. این پژوهش با هدف تبیین عوامل موثر در سرمایه اجتماعی و راهکار هایی برای حفظ و ارتقای آن پرداخته می شود.

عوامل موثر در حفظ و ارتقاء سرمایه اجتماعی

عوامل فرهنگی

فرهنگ، مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، باورها، اخلاق، هنر، آداب و رسوم و هرگونه توانایی‌ای است که انسان‌ها به جهت عضویت در جامعه کسب می‌کنند و بر مبنای آن در زندگی فردی و اجتماعی خود را تداوم می‌بخشند. فرهنگ به این معنا اساس سعادت و پویایی جامعه است. فرهنگ از نگاه اسلام فارق حیات انسان و حیوان است زیرا تجلی این توانایی‌هاست که حیات فردی و زندگی اجتماعی انسان را شکوفا می‌کند و فقدان این توانایی‌ها، رکود و انحطاط را در جوامع در پی دارد:

«لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا» (اعراف، ۱۷۹)

آنان را دل‌هایی است که به وسیله آن [معارف الهی را] در نمی‌یابند، و چشمانی است که توسط آن [حقایق و نشانه‌های حق را] نمی‌بینند، و گوش‌هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی‌شنوند.

زندگی آنان که برای رشد و تعالی خود از ابزار معرفتی و فرهنگی بهره نمی‌برند، با حیات حیوانات چندان تمایزی ندارد بلکه غفلت از این توانایی‌ها، انسان و جامعه انسانی را به پرتگاه سقوط نزدیک می‌کند و به دنائت و پلیدی می‌کشد. ابن عربی در فتوحات مکیه بابی به نام نجاسه الانسان اذا کثرت منه الغفله (ابن عربی، ۱۳۹۳) و در آن عامل اصلی تعالی حیات بشری را توجه به مقام منیع انسانی دانسته است. ریشه این گونه از لطایف، قرآن کریم است که فرمود:

«إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» (توبه، ۲۸) : مشرکان ناپاکند.

پلیدی انکار حقیقت در همه مجاری ادراکی و تحریک منکران ساری است. بر این پایه می‌توان به عقیده برخی از جامعه‌شناسان معتقد به اصالت فرهنگ صحنه گذاشت که پویایی جامعه را مرهون پویایی فرهنگ و مرگ جامعه را وابسته به مرگ فرهنگ آن می‌دانند. بی‌تردید فرهنگ و توانایی‌های فکری منحصر به انسان است و مایه امتیاز وی بر حیوان، زیرا همه اهتمام حیوان در رفاه و فربهی است ولی همه تلاش انسان راستین در جهت رشد معنوی است رفتار حیوانات غریزی و ثابت است و رفتار انسان‌ها عقلی و در تحول. بر این پایه انسان، نیازمند تعالیم فرهنگی است که بتواند همه خواسته‌های علمی و عملی او را پاسخگو باشد. فرهنگ رشد یافته، جامعه متعالی و انسان‌های با کمالی می‌سازد. فرهنگ منحط، جامعه را به پستی می‌کشاند. همه تأکید اسلام برای کسب علوم و فنون و تحریض مسلمانان به تحصیل دانش و فرهنگ برای تأمین و تضمین تعالی جامعه انسانی است. پس سهم مهم و تأثیر فرهنگ در رشد و تعالی جامعه را نمی‌توان انکار کرد. از این رو اثر وحی در شکوفایی جامعه را نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا متعالی‌ترین فرهنگ انسانی فرهنگ دینی است که ارمغان وحی است (جوادی آملی، ۹۱، ص ۳۵۲).

۱. نماز جماعت

الف- امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که ندای نماز جماعت را بشنود ولی بی‌علت در آن شرکت نکند، نمازی برای او نیست» (عاملی جزینی منصوب به شهید اول، ۱۴۰۷، ص ۷۷). یعنی کمال نماز همانا به حضور در جمع و شرکت در جماعت است.

ب- امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اگر همسایه مسجد در نماز جماعت حاضر نشود نمازش پذیرفته نیست، مگر بیمار یا مشغول باشد.» (فتال نیشابوری، ۱۴۲۳، ص ۳۵۵).

ج- رسول خدا در حکمی حکومتی برای از بین بردن توطئه منافقان در بنای مسجد ضرار فرمود: «یا در مسجد شرکت کنید یا دستور می‌دهم که خانه‌هایتان را آتش زنند.» (فتال نیشابوری، ۱۴۲۳، ق، ۲۹۱).

۳. اولی الامر و روشنگری:

کارشناس هوشمند یعنی ولی امر که محور تصمیم سازی و ارائه دهنده راه حل است باید حاضر باشد تا مسلمانان با گزارش و ارجاع امور به او از او تکلیف را جویا شوند. بنابراین در زمان حضور و ظهور معصومان علیه السلام، آن ذوات قدسی، نخستین مرجع اند و بدین لحاظ مصداق واقعی و روشن امامان معصوم علیهم السلام هستند و در زمان غیبت، طبق فرمان خود معصومان علیهم السلام عهده‌دار این مسئولیت، نائب عادل و کارشناس فنی و مدیر و مدبر یعنی فقیه جامع الشرایطی است که در متن حکومت بوده و توان تحلیل اخبار جنگ و رفتارهای دشمن و تصمیم سازی اجتماعی و صدور فرمان نظامی برای رویارویی درست با دشمن و دفاع از دین، آبرو، جان، مال و مسلمانان را دارا است. (جواد آملی، ۹۷، جلد ۱۹، ص ۶۴۳).

۳. تلاش برای صبار و شکور کردن جامعه

برای تشکیل نظام اسلامی سرمایه گذاری لازم است، یعنی انسان باید هم محبت دنیا را از دل خویش بیرون ببرد و هم عشق به حیات جاودانه را در خود زنده کند تا در هیچ سانحه ای نلرزد و استوار باشد. از این رو سالار شهیدان در نامه ها و خطبه های خود علاقه به دنیا را از مردم می زدود و اشتیاق به شهادت و جاودانه شدن را در دل‌های آنها زنده می کرد تا آنان بتوانند صبار شکور باشند و بر ضد امویان عصر خود قیام کنند و با براندازی نظام سلطه، زمینه‌ی تأسیس نظام قسط و عدل را فراهم آورند تا هدف بر این، یعنی نورانی شدن جامعه بشری تامین گردد. سالار شهیدان در جریان نهضت و قیامش این آیه را می خواندند:

«ثُمَّ أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنٌ نُعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ

عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (آل عمران، ۱۵۴):

سپس بعد از آن اندوه و غم، خواب آرام بخشی بر شما فرود آمد که گروهی از شما را [که بر اثر پشیمانی، دست از فرار برداشته به سوی پیامبر آمدید] فرا گرفت، و گروهی که فکر حفظ جانشان آنان را [در آن میدان پر حادثه] پریشان خاطر و غمگین کرده بود، و درباره خدا گمان ناحق و ناروا هم چون گمان های [زمان] جاهلیت می بردند [که چون خدا وعده پیروزی داده پس پیروزی بدون هر قید و شرطی حقّ مسلمّ آنان است! اما وقتی شکست خوردند درباره وعده خدا دچار تردید شدند و] گفتند: آیا ما را در این امر [پیروزی] اختیاری هست؟ بگو: یقیناً اختیار همه امور به دست خداست. [این نیست که چون خدا وعده پیروزی به شما داده بدون قید و شرط برای شما حاصل شود، پیروزی وعده داده شده، محصول صبر و تقوا، و شکست معلول سستی و نافرمانی است]. آنان در دل هایشان چیزی را پنهان می کنند که برای تو آشکار نمی سازند، می گویند: اگر ما را در این امر [پیروزی] اختیاری بود [و وعده خدا و پیامبر حقیقت داشت] در اینجا کشته نمی شدیم. بگو: اگر شما در خانه های خود هم بودید کسانی که کشته شدن بر آنان لازم و مقرر شده بود، یقیناً به سوی خوابگاه های خود [در معرکه جهاد و جنگ] بیرون می آمدند. و [تحقق دادن این برنامه ها] به سبب این است که خدا آنچه را [از نیّت ها] در سینه های شماست [در مقام عمل] بیازماید، و آنچه را [از عیوب و آلودگی ها] در دل های شماست، خالص و پاک گرداند؛ و خدا به آنچه در سینه هاست، داناست.»

یعنی اگر شما در خانه هایتان باشید و انسان بی طرف بمانید، باز خداوند نظام اسلامی را مستقر می کند. اگر شما به اسلام کمک نکردید، دیگران به همین منظور به میدان جهاد می آیند. آنها که سرنوشتشان شهادت است، به خوابگاه هایشان می آیند و سرانجام راد مردانی هستند که اهل مبارزه اند و بارز اند، شما قائل هستید ولی آنان در آگاهی مبرز و در نبرد مبارز و چون جامع الشرایط آگاهی و قیام هستند، حتماً پیروزانند. (جوادی آملی، ۹۳، ص ۲۲).

در قرآن اشاره به این که منافقان و دیگر افراد ترسو که هراس از مرگ را به حساب حزم و احتیاط آورده اند، در صحنه پیکار شرکت نکردند و انقلاب اسلامی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را حمایت نکردند، چون از مدد غیبی بی خبر بودند و گمان می کردند که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و همراهان آن حضرت سالم بر نخواهند گشت:

«بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيَّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ ظَنَّ السَّوِّ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا (فتح، ۱۲):

[تخلف شما از جنگ، ربطی به اموال و خانواده تان نداشت] بلکه پنداشتید پیامبر و مؤمنان هرگز به کسان خود باز نمی گردند، و این پندار باطل در دل هایتان آراسته شد، و گمان بد بردید [که خدا پیامبر و مؤمنان را یاری نخواهد کرد] و شما [به سبب این پندار باطل و گمان بد] قومی نابودشدنی هستید.»

شما که از مدد غیبی بی خبر هستید، تصور می کردید سپاه بیگانه که در همه ابعاد نظامی مقتدر تر است، چگونه شکست می خورد و سپاه اسلام که در همه لوازم نظامی ضعیف تر است، چگونه پیروز می شود. همانطور که زمین، دو قسم دایر و بایر دارد، زمینه زندگی جوامع انسانی نیز دو قسم است. (جوادی آملی، ۹۰، ص ۳۶۰).

نتیجه گیری

نتایج حاصل شده از این مقاله به شرح زیر می باشد:

به طور کلی می توان گفت که سرمایه اجتماعی، یک ظرفیت جوهر اجتماعی یا هنجاری غیر رسمی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می بخشد. هر جامعه ای برای دستیابی به اهداف خود، علاوه بر افراد آگاه و باتجربه و امکانات و ابزار مادی، به عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مانند اعتماد، تعهد و مسئولیت پذیری و ... نیازمند است. سوء عملکردها به سقوط سرمایه اجتماعی منتهی می شود. در مقابل زمینه های فرهنگی مداخله در مهارت های فردی و اجتماعی و تامین فرصت های به روز اثربخشی سرمایه اجتماعی، آگاهی و عمل به آنها می توانند نقش موثری در استحکام و پویایی جامعه داشته باشند یا در عوامل اقتصادی که حیات و بقای جامعه انسانی و امرار معاش مردم در آن پیوند خورده است که بی تامین آن جامعه انسانی هرگز سامان نمی یابد. که در جامعه دینی اسلام هم به اغنای جنبه مادی و هم به اصطلاح جنبه معنوی، رویکردی جانب دارانه دارد. مهمترین آثار سرمایه اجتماعی، وحدت و برادری و اعتماد متقابل بین مسلمانان به وجود آمده و به کارآمدی برنامه ها و همراهی و همکاری آحاد مردم منجر می شود.

منابع

❖ قرآن کریم.

❖ نهج البلاغه.

۱. ابن عربی، اکبر محی الدین، ۶۳۲، فتوحات مکیه، قم، نشر مولا.
۲. بابویه قمی، ابوجعفر، امالی، ۸۶، بیروت، الاعلمی الاسلامیه.
۳. جوادی آملی، عبدالله، ۹۱، جامعه در قرآن، قم، اسراء.
۴. ———، ———، ۹۴، نسبت دین و دنیا، قم، اسراء.
۵. ———، ———، ۹۴، اسلام و محیط و زیست، قم، اسراء.
۶. ———، ———، ۹۳، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم، اسراء.
۷. ———، ———، ۸۹، امام مهدی (عج) موجود موعود، قم، اسراء.
۸. ———، ———، ۹۰، بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، قم، اسراء.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۹۷، الکافی، قم، دارالحديث.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، ۸۰، بحارالانوار، قم، دارالکتاب الاسلامیه.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، ۸۴، میزان الحکمه، قم، دارالحديث.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۹۲، تفسیر نمونه، قم، دار الکتب الاسلامیه.